

یادداشت

ضرورت عقلانیت در رفتار ابوظبلی و ریاض



محسن پاک آیین

کارشناس مسائل خاورمیانه

به دنبال حملات اخیر انصار... به مراکز حساس در امارات، مهم‌ترین سرمایه‌این شیخ‌نشین که امنیت و ثبات بود، در معرض فروپاشی قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری‌های خارجی در امارات که موجب تقویت بنیه اقتصادی این کشور بود، تنها در سایه امنیت و صلح حفظ می‌شود و طبعاً هر گونه حمله از سوی انصار... این وضعیت باثبات را به خطر خواهد انداخت. خطای محاسباتی حکام جوان و غرب‌گرای امارات یا پذیرش رئیس رژیم اشغالگر قدس و عامل اصلی کشتار مردم بیگناه فلسطین، جایگاه این شیخ‌نشین در دنیای اسلام و مسلمانان جهان را متزلزل ساخته و افکار عمومی مسلمانان و اعراب علیه حکام امارات شکل گرفته است. بی‌تردید تصمیم امارات برای پذیرش رئیس رژیم جعلی اسرائیل، اقدامی علیه آزادی فلسطین و قدس سرای بوده و صهیونیست‌ها را در انجام جنایت‌های تازه علیه مردم فلسطین جسورتر خواهد ساخت. در روزهای اخیر، حملات انتقام جویانه ارتش یمن به نمایشگاه «کسبو دوی» که منجر به افزایش قیمت نفت به بیش از ۹۰ دلار شد، به خروج سرمایه از امارات سرعت بخشید و انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید را مورد تردید قرار داد. در عین حال بی‌نتیجه ماندن سفر رئیس رژیم صهیونیستی به ابوظبلی و لغو جشن موسیقی «کایرو کی» که قرار بود در تاریخ دهم بهمن در سکوی «الیوبیل» در محل نمایشگاه اکسبو ۲۰۲۰دوبی برگزار شود، تردید سرمایه‌گذاران برای حضور بیشتر در امارات را افزایش داده است. شواهد میدانی نشان می‌دهد که انصار... و دیگر مجاهدان یمن مصمم به ادامه مقاومت با تداوم حملات به مراکز حساس و راهبردی در عربستان و امارات هستند. احتمال هدف قرار گرفتن برح‌های تجاری امارات که روز به روز قوت می‌گیرد، وضعیت کسب و کار در امارات را مختل و حتی مردم عادی را نگران کرده است. کارگران خارجی که تقریباً نیمی از جمعیت امارات را تشکیل می‌دهند، از مراکز کاراییی خواسته‌اند انتقال آنها به مناطق امن امارات و حتی دیگر کشورهای خلیج فارس را در دستور کار قرار دهند. «محمد بن زاید» ولیعهد ابوظبلی نیز از سوی اعضای شورای ایمن فدراش به عنوان مسئول اصلی ناامنی وی‌بی‌ثاتی در امارات شناخته شده است. اعضای این شورا از جمله حکام دینی و شاره‌چ که از افراد با نفوذ امارات هستند در نامه اعتراضی خود تصریح کرده‌اند که سیاست‌های محمد بن زاید، مبتنی بر تقویت مداخلات خارجی، کشور را بی‌ثبات کرده است. افشاگری سایت امارات لیکس در باره تنش فزاینده میان حکام امارات، هراس این شیخ‌نشین از توان موشکی و پهپادی یعنی‌ها را برجسته کرده و تلاش آنها برای متقاعد کردن دولت جوبایدن برای بازگردانی نام انصار... یمن به لیست تروریستی را در پی فاشته است. از سوی دیگر، تحرکات دیپلماتیک برای متقاعد کردن ارتش یمن برای توقف حملات به امارات آغاز شده و به نقل از پایگاه خبری «الخبیر الیمینی»، دیپلمات‌های ارشد امارات باار سال پایام‌های مختلف برای انصار... گفته‌اند که در صورت توقف حملات انصار... نیروهای اماراتی به صورت «تدریجی» از یمن خارج خواهند شد. خروج فوری و بدون پیش شرط امارات از عرصه جنگ علیه یمن» مطالبه جدی مجاهدان یمنی است. گزارش روزنامه «الانبار» نیز حاکی از این است که ولیعهد سعودی از آمریکایی‌ها خواسته است برای «خروج ترنمدانه ریاض از یمن» تلاش کند. در این گزارش آمده که تیموتی لیندر کینگ، نماینده آمریکا در امور یمن در جریان سفر خود به ریاض، احساس کرده که طرف سعودی اراده جدی برای پایان دادن به جنگ یمن دارد. تبعات اقتصادی حملات موشکی مقاومت یمن به دبی و ابوظبلی در کنار بحران اوکراین، نگرانی اروپا را در مورد افزایش ریز به تریزد قیمت نفت و اختلال در عرضه نفت تقویت کرده و تحرکات دیپلماتیک در اروپا برای برون رفت از این وضعیت را افزایش داده است. امروز ارتش یمن به‌طور قابل توجهی باتجربه‌تر و مجهزتر و پر قدرت‌تر از گذشته شده و با اطلاع از ضعف‌های ساختاری عربستان و امارات می‌تواند اهداف خود را در داخل و خارج از یمن محقق سازد. از سوی دیگر اگر ریاض و ابوظبلی بر اشتباهات تلخ خود بافشاری کرده و خطاهای محاسباتی را ادامه دهند، باید در آینده شاهد یک شکست همراه با ویرانی نقاط مهم کشورشان باشند. آنها باید غافل باشند و بدانند که دوران تهاجم و اشغال سرزمین‌ها خاتمه یافته و خلاصی از باتلاق یمن جز با خاتمه تجاوز و سپردن امور به مردم این کشور، ممکن نخواهد شد.

دیدگاه

آمار ابتلای کارگران جنسی به HIV از کجاست؟!

ادامه از صفحه اول /
بزرگ حکایت دارد، اما اگر این آمار از روی شواهد و مدارحی محدود است که به ایشان به‌عنوان رئیس مرکز بیماری‌های عفونی و HIV ازجمله متخصصان و حتماً وی که از سابق درخشان در این رابطه برخوردار است و کسی منکر زحمات او نیست، اطلاع دارند که جامعه آماری در اینگونه موارد باید مشخص بوده و براساس چند نمونه نمی‌توان در مورد کارگران جنسی اعلاظ نمود. هنوز به‌طور علمی و شفاف، تعداد کارگران جنسی حتی تقریبی نمی‌شخص نیست. وقتی مسئله آماری مشخص نیست چگونه می‌توان در مورد سلامت جنسی یا ایذز آنها اظهار نظر نمود؟! جامعه آماری ایشان در چند منطقه از تهران بوده و درمورد سایر شهرها یا آماری در اختیار دارند؟! چرا ایشان و سازمان متبوع‌شان از فعالیت این بدنه‌ها بی‌گناهی نمی‌کنند تا جلوی الودگی بیشتر را بگیرند؟! آیا خانم محرز با سوابقی که در زمان کرونا و اظهار نظرهایشان کسب کردند، هنوز به این مهم پی نبرده‌اند که بیان اینگونه آمار و ارقام چه امواج فکری و تشنشی در جامعه سنتی ایرانی ایجاد می‌کند؟ مبتلایان به ایذز و مراجعان به اینگونه افراد چگونه می‌توان از انتقال ویروس توسط این افراد به سایر افراد جلوگیری کرد؟! اینها موضوعاتی است که در آن مصاحبه مغفول مانده و اگر ایشان پاسخ این سوالات را دارند، حتماً برای جلوگیری از فاقعه باید آن را در اختیار نهادهای مربوطه بگذارند، و گرنه بیان ادعا وصحت‌هایی که آن‌ها به‌دوروی آنها حساسیت دارد و بعد رسانه‌ای آن پررنگ کند، فقاوه به تشویش آذهان عمومی منجر می‌شود، مانند پخش فیلم سر بریده آن دختر اهوازی، که یک پایگاه خبری را قربانی بخش آن فیلم کرد. در این زمینه مسئولان نهادهای بهداشتی و درمانی در کنار سازمان‌های ناظر در قبال اینگونه فظاسازی‌ها چه موضعی گرفته و چه اقداماتی انجام خواهند داد، جای سوال در ذهن نگارنده و هزاران نفر دیگر دارد.

قتل ناموسی یا صیانت از ناموس!

ادامه از صفحه اول /
سالانه بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد از آن در کشور گزارش می‌شود، بماند دختران و زنانی که مظلومانه، بی صدا و در اکثر موارد بیگناه از سوی مردان ناموس کش از صفحه روزگار حذف می‌شوند و حساسیت با کرام‌الکاتبین است. در عین حال در سالیان اخیر تغییرات نگران کننده دیگری نیز در وقوع اینگونه قتل‌ها رخ داده است. علاوه بر افزایش در تعداد، باعث در اعمال خشونت با استفاده از سلاح‌های سرد و نحوه اعمال خشونت، نمایش عمومی قتل و خشونت و افزایش جسارت قاتل ناموسی رویهر و هشتمین که نشانه‌هایی از تغییرات فرهنگی، حمایت‌های قانونی و... به همراه دارد. اما مسئله‌ای که در این معضل جامعه‌وی خصامی می‌کنند، ناموس بودن زن برای مرد نیست؛ بلکه تغییر مداول‌های واقعی این دال گفتگمانی در نگاه مردسالارانهای است که تبلور غیرت مرد را در «صیانت از ناموس» نمی‌داند و آن را در «تنبیه»، «خشونت» و «قتل» ناموس جستجو می‌کند؛ تغییر گفتگمانی که باید با تلاش فرهنگی، اصلاح قانونی و صراحت در مجازات فرد عامل خشونت و قتل به مسیر، کار کرد و منهای اصلی خود بازگردد.

محسن جلیوند در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

ایران و آمریکا

به آتش بس رسیده‌اند

نه توافق

لغو تحریم‌ها به اقتصاد ایران شوک وارد می‌کند

توافق موقت پیشنه‌دار روسیه است، نه آمریکا

ایران پذیرفته‌اورانیوم غنی‌شده خود را متوقف کند

ممکن است برخی اورانیوم‌های غنی‌شده ایران به روسیه منتقل شود

احتمالاً دیدار مقامات ایران و آمریکا در آلمان زمینه توافق باشد

مذاکره قبل از برجام سال ۲۰۱۵ بین مقامات ایران و آمریکا در عمان



آرمان ملی – احسان انصاری: ایران و آمریکا بیش از همیشه به توافق نزدیک شده‌اند. اخبار منتشر شده از مذاکرات بیانگر این است که احتمال توافق بین ایران و کشورهای غربی وجود دارد. این در حالی است که به تازگی اخباری مبنی بر دیدار مقامات ایران و آمریکا در آلمان نیز منتشر شده است. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر محسن جلیوند تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت و گو کرده است. جلیوند معتقد است: «به احتمال زیاد ایران پذیرفته که شتاب غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف کند تا در مراحل بعدی تصمیم‌گیر اورانیومی که غنی کرده را کجا بفرستد. البته روسیه عنوان می‌کند ایران اورانیوم غنی‌شده خود را به روسیه بفرستد تا در آنجا نگهداری کند. نکته مهم در این زمینه این است که ایران پذیرفته می‌تواند کمک بزرگی به پیشبرد مذاکرات در آینده داشته باشد. از سوی دیگر ایران قرار است تعداد سانتریفیوژهای خود را کاهش بدهد و همچنین سانتریفیوژهای پیشرفته خود را به روسیه ارسال کند. با این شرایط ایران اجازه بیشتری به آزادس خواهد داد که بازرسی‌های بیشتری روی مراکز هسته‌ای ایران داشته باشد و وضعیت دوربین‌های آتلان نیز تغییر پیدا کند.» در ادامه محصل این گفت و گو را می‌خوانید.

رشد اقتصادی ایران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ در حدود صفر بوده است و در یک دهه گذشته ایران هیچ رشد اقتصادی نداشته است. آمریکا را به روسیه بفرستد تا در آنجا نگهداری کند. نکته مهم در این زمینه این است که ایران پذیرفته میزان غنی‌سازی خود را متوقف کند. این تصمیم می‌تواند کمک بزرگی به پیشبرد مذاکرات در آینده داشته باشد. از سوی دیگر ایران قرار است تعداد سانتریفیوژهای خود را کاهش بدهد و همچنین سانتریفیوژهای پیشرفته خود را به روسیه ارسال کند. با این شرایط ایران اجازه بیشتری به آزادس خواهد داد که بازرسی‌های بیشتری روی مراکز هسته‌ای ایران داشته باشد و وضعیت دوربین‌های آژانس از حالت آفلاین به حالت آنلاین تغییر پیدا کند. اینکه این اتفاق چه زمانی رخ خواهد داد بستگی به زمان رسانی آزمایشی ایران درباره لغو تحریم‌ها دارد. اینکه ایران بتواند در لغو تحریم‌ها راستی آزمایی کند و بیشتر روی مراکز هسته‌ای ایران داشته باشد و وضعیت دوربین‌های آژانس از حالت آفلاین به حالت آنلاین تغییر پیدا کند. اینکه این اتفاق چه زمانی رخ خواهد داد بستگی به زمان رسانی آزمایشی ایران درباره لغو تحریم‌ها دارد. اینکه ایران بتواند در لغو تحریم‌ها راستی آزمایی کند و بیشتر روی مراکز هسته‌ای ایران داشته باشد و وضعیت دوربین‌های آژانس بدهد. تنها در شرایطی که اتفاق خاصی رخ بدهد که در سرنوشت مذاکرات تأثیر بگذارد و آینده توافق را مخدوش کند می‌توان گفت که آینده را پیشچده ارزیابی کرد. برنامه مذاکرات با توجه به سیاست‌های استراتژیک دو کشور پیگیری می‌شود. تنها اتفاقی که در این زمینه رخ می‌دهد تغییر رویکرد دهاست. تصمیم درباره آینده برجام یک تصمیم استراتژیک خواهد بود که توسط ساختارهای سیاسی در ایران و آمریکا گرفته می‌شود. روسای جمهور تنها مجری این سیاست و استراتژی‌ها هستند. در ایران حتی تاکتیک‌ها نیز در اختیار رئیس‌جمهور نیست که وی بخواهد با تاکتیک‌های موردنظر خودش مذاکرات را مدیریت کند. برنامه‌ریزی‌ها در این زمینه در جای دیگری می‌نویس می‌شود و در نهایت بر اساس این برنامه‌ریزی‌ها تصمیم‌گیری می‌شود.

◀ به‌تازگی اخباری مبنی بر دیدار مقامات آمریکا و ایران در آلمان منتشر شده که بیانگر رویکرد مثبت مقامات آمریکایی در مقابل درخواست‌های ایران بوده است. این اخبار به چه میزان صحت دارد و این دیدار چه میزان می‌تواند در سرنوشت توافق تأثیر گذار باشد؟
این اخبار منتشر شده اما هنوز منشأ آن مشخص نیست که توسط چه منابعی منتشر شده است. هر اتفاقی نیز که در این دیدار رخ داده باشد با حضور رابرت مالی در کنگره مهم‌چیز را آن نمایندگان در جریان بگذارد. به همین دلیل باید صبر کرد تا وی در کنگره حضور پیدا کند. بایدن به‌خوبی به این نکته آگاهی دارد که اگر بخواد همچون کوچک‌ترت تغییر در برجام صورت بدهد باید آن کنگره مجوز داشته باشد. برجامی که در سال ۲۰۱۵ امضا شده است. به همین دلیل هر اتفاقی که به‌تازگی بین ایران و آمریکا رخ داده باشد در کنگره مشخص خواهد شد. قبل از برجام سال ۲۰۱۵ نیز آقای برنز در عمان با مقامات ایرانی در عمان دیدار و گفت‌وگو کرد که در نهایت برجام امضا شد. اگر این دیدار به‌تازگی نیز انجام‌شده باشد می‌تواند نتایجی مانند گذشته به همراه داشته باشد. البته از این نکته نیز نباید غفلت کرد که در شرایط کنونی نه ایران در موقعیت سال ۲۰۱۵ قرار دارد و نه آمریکا. اگر قرار است توافقی جامع خود عدول کرده است. به‌عنوان مثال ایران در ابتدا عنوان می‌کرد آمریکا باید بابت تحریم‌هایی که علیه ایران انجام داده خسارت پرداخت کند که این خواسته امروز در دستور کار ایران قرار ندارد. در نظر می‌رسد طرفین به‌صورت حداقلی توافق کرده‌اند و به همین دلیل اسلحه‌های خود را زمین گذاشته‌اند.

◀ این حداقل‌ها شامل چه مواردی می‌شود؟
به احتمال زیاد ایران پذیرفته که شتاب غنی‌سازی اورانیوم خود را نیست. آمریکا در روزهای اخیر از برخی موضوع خود عدول کرده و رویکرد متعادل‌تری نسبت به ایران در پیش گرفته‌اند. به‌صورت طبیعی نیز در مذاکرات بین‌المللی طرفین با مطالبات حداکثری وارد مذاکرات می‌شوند اما به مرور زمان مطالبات خود را متعادل می‌کنند و در نهایت به مطالبات حداقلی رضایت می‌دهند. به‌عنوان مثال آمریکایی‌ها برخی از تحریم‌های ایران را نادیده گرفتند. به همین دلیل نیز ایران به برزیز نفت و معیانات گازی صادر کرد و در مقابل صر و گوساله و گوشت در یافت کرد. این اتفاقات به‌صورت غیررسمی صورت گرفته و نمی‌توان عنوان کرد ا آمریکا رسماً برخی تحریم‌های ایران را کاهش داده است. هزار هکتار نفت فروشد که شصصد هزار بشکه آن به چین فروخته شده است. این اتفاق نیز به‌صورت غیررسمی رخ داده است. البته برخی اقدامات رسمی نیز از سوی آمریکا رخ داده که نمونه بارز آن معافیت‌های خود عدول کرده است. به‌عنوان مثال ایران در ابتدا عنوان می‌کرد آمریکا باید بابت تحریم‌هایی که علیه ایران انجام داده خسارت پرداخت کند که این خواسته امروز در دستور کار ایران قرار ندارد. در نظر می‌رسد طرفین به‌صورت حداقلی توافق کرده‌اند و به همین دلیل اسلحه‌های خود را زمین گذاشته‌اند.

◀ این حداقل‌ها شامل چه مواردی می‌شود؟

به احتمال زیاد ایران پذیرفته که شتاب غنی‌سازی اورانیوم خود را

در مقابل تهاجم ترکیبی دشمن، مانیز باید تهاجم ترکیبی کنیم

یوشاندن خیانت‌های آنها، حتی به دنبال ترزین و آرایش تصویر سراپا جنایت ساواک هستند و در مقابل، با مخدوش کردن چهره انقلاب و امام بزرگوار، پیشرفته‌ها، حقایق و نقاط مثبت انقلاب را کاملاً کتمان، و نقاط ضعف را صدها برابر بزرگ‌نمایی می‌کنند، بنابراین در مقابل این تهاجم دشمن باید... خامنه‌ای همچنین با اشاره به «تهاجم ترکیبی» جبهه دشمن علیه ایران یعنی تهاجم اقتصادی، سیاسی، امنیتی، رسانه‌ای و دیپلماتی تأکید کردند: در مقابل این تهاجم ترکیبی و دسته‌جمعی، نمی‌توانیم همیشه در موضع دفاعی بمانیم و ما نیز باید در زمینه‌های مختلف از جمله رسانه‌ای، امنیت و اقدامات اقتصادی تهاجم ترکیبی کنیم که در این زمینه اهل فکر و اندیشه و خصوص مسئولان، موظف به تلاش هستند. ایشان در پایان سخنانشان، پیشرفته‌های روزافزون کشور بر خلاف اراده بدخواهان را توبیخ‌بخش فردایی بهتر برای ملت دانستند و گفتند: همچنان که جمهوری اسلامی در طول این ۴۰ سال با قدرت به پیش رفته و روز به روز مستحکم‌تر و ریشه‌دار تر شده است، این حرکت به توفیق الهی در آینده نیز بهتر از گذشته ادامه خواهد یافت و دشمن باز هم تا‌کام خواهد شد. مقام معظم رهبری همچنین با اشاره به ایام بر برگ ماه رجب، احاد مردم به‌ویژه جوانان را به پهرمندی از فیوضات الهی و معنوی این ماه توصیه کردند.

فرارو

روحانی، سید حسن و لاریجانی

جای خالی لیدر را

چه کسی می‌گیرد؟

پس از در گذشت ناگهانی اکبر هاشمی رفسنجانی عملاً اصلاح‌طلبان با خلأیی مهم روبه‌رو شدند؛ خلأیی که شبیه به از دست‌دادن لیدر سیاسی‌شان بود. گرچه ارتباط هاشمی با اصلاح‌طلبان در تاریخ چنددهه اخیر فرازونشیب‌های فراوانی داشت و نباید او را حتی در دهه ۹۰ لیدر اصلاحات دانست و همواره این جایگاه برای سید محمد خاتمی محفوظ بوده است، اما مشخصاً از سال ۹۲ تا به این سو هاشمی تعیین‌کننده راهبردهای کلان برای این جبهه سیاسی بود، چنانکه به گفته همگان سیاست حمایت همه‌اصلاح‌طلبان از حسن روحانی و به نوعی انتلاف با یک نیروی غیراصلاح‌طلب خواسته روشن هاشمی بعد از دصلاحیت خود بود که اصلاح‌طلبان نیز با آنکه محمدرضا عارف را در صحنه داشتند، اما با تکمیل به خواسته او یکسره پشت روحانی ایستادند. این شرایط در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس شریگان در سال ۹۴ هم ادامه داشت؛ تا جایی که حتی اصلاح‌طلبان راضی به حمایت از درختنج‌آبادی شدند؛ فردی که روزگاری خاتمی از مسئولیت وزارت اطلاعات کنارش گذاشته بود. به هر روی هاشمی رفسنجانی در دهه ۹۰ حتماً اگر بیش از خاتمی منشأ اثر نبود کمتر از او هم نبود و به نوعی نقش بدر معنوی اصلاح‌طلبان را ایفا می‌کرد؛ فردی که مشخصه‌های متفاوتی از خاتمی داشت که هر یک به‌شده می‌توانست برای اصلاح‌طلبان مفید باشد؛ نخست آنکه هاشمی محدودیت‌های خاتمی را نداشت و ممنوع‌التصویر و ممنوع‌المنبر نبود و می‌توانست نظراتش را ابراز کند و رسانه‌ها هم پوشش‌دهنده از سوی دیگر هاشمی هنوز ارتباط خود با نیروی راست را داشت و مقبولیت او دووجهی بود و توانایی اجماع‌سازی در بخش‌های از نیروهای راست را هم داشت. علاوه بر اینها هاشمی حتی در سال‌های عمرش نیز ارتباطی با رهبری داشت و می‌توانست سخنانش را به ایشان منتقل کند. با فوت او اصلاح‌طلبان از وجود فردی محروم شدند که تمام این ویژگی‌ها را داشت و از قضا از سال ۸۸ این سو خواستگاه اصلی این جبهه اصلاحات شده بود؛ هر چند هیچ‌وقت به زبان گفت که یک اصلاح‌طلب شدام. حالا در نبود او این پرسش مهم مطرح است که چه کسی می‌تواند جای هاشمی را پر کند؟

◀ چه کسی لیدر می‌شود؟

در این بین برخی می‌گویند که حسن روحانی با توجه به وجود انتلاف هشت‌ساله با اصلاح‌طلبان ممکن است باز یگر چنین نقشی باشد. او از یکسو نیرویی نزدیک به هاشمی رفسنجانی فرض می‌شود و از سوی دیگر مانند هاشمی هنوز با راست‌گرایان هم ارتباط دارد، اما با این همه سخت است که بپذیریم روحانی، هاشمی می‌شود، زیرا رابطه اصلاح‌طلبان و روحانی در شرایطی متزلزل به پایان رسید و بدیدم که اصلاح‌طلبان در سال‌های پایانی دولت روحانی به یکی از مهم‌ترین منتقدان او تبدیل شده بودند، علاوه بر این روحانی نشان داد فرد نظریه‌پرداز و اهل سیاستی نیست و نمی‌تواند نیروهایی که حالا او را اینهمه اصلاح‌طلب می‌دانند در دور خود نگه دارد و نه تنها این کار را نکرد بلکه در دولت دومش سعی کرد سفره خود را از اصلاح‌طلبان جدا کند و محدود واعطی به عنوان رئیس‌دفت و یکی از نیروهای نزدیک به او حتی مدعی شد که این روحانی به واسطه خودش و نه اصلاح‌طلبان بود. عملکرد نه‌چندان خوب دولت روحانی هم باعث می‌شود که امروز اصلاح‌طلبان میل چندانی به او به عنوان قطب سیاسی خود نداشته باشند و به نظر می‌رسد روحانی برای هاشمی شدن مسیر راحتی در پیش نداشته باشد. برخی می‌گویند که شاید سید حسن خمینی بتواند جای هاشمی را برای اصلاح‌طلبان پر کند. خمینی جوان مورد تأیید و اجماع اصلاح‌طلبان است؛ کم‌اینکه آنها از او در خواست کردند که نامزد مجلس شود، اما به عنوان یک نیروی سیاسی در انتخابات ریاست‌جمهوری شود، اما این گزینه هم قدری با چالش‌هایی مواجه است؛ آنکه سید حسن خمینی هم خیلی جوان است و تجربه و کارآزمودگی هاشمی را ندارد که بتواند جای خالی او را پر کند، هم تجربه سیاست‌ورزی چندانی ندارد و هم آنکه جز در بین اصلاح‌طلبان پایگاه سیاسی دیگری ندارد. البته باز هم تأکید می‌شود که او از معدود جوانان است که اصلاح‌طلبان یکسره قبولش دارند. برخی می‌گویند اسحاق جهانگیری می‌تواند اصلاح‌طلبان را جمع‌وجو کند و شاید نه به اندازه فردی قدرتمند مانند هاشمی، اما به عنوان یک نیروی سیاسی در اجماع اصلاح‌طلبان فعالیت کند. حتماً فعالیت جهانگیری در حد نظریه‌پردازی برای بورون‌رفت از بحران‌های اصلاح‌طلبی نخواهد بود و او بیش از یک نیروی اجرایی در محالی مانند انتخابات نمی‌تواند نقش آفرین باشد؛ چه آنکه او حتی ممکن است در انتخابات هم نتواند برای اصلاح‌طلبان مؤثر باشد، زیرا در دوره اخیر دصلاحیت شد و هیچ بعدی نیست که او را در پیش‌نادر.

هم‌صاحبتش رد شود. علی لاریجانی، اما وضعیت متفاوتی نسبت به شخصیت‌های مذکور دارد. او مانند هاشمی متعلق به جناح راست است، هنوز ارتباطات خوبی با بخش‌های مهمی از اولوگرایان دارد، اهل سیاست است، سابقه اجرایی و تقنینی زیادی دارد، در حوزه سیاست خارجی کار کرده است و اصلاح‌طلبان هم عموماً او را به عنوان نیروی معتد و معادل می‌شناسند و هیچ بعدی ندارد. شورای نگهبان لاریجانی را درصالحیت نمی‌کرد، جبهه اصلاحات از او حمایت کند. لاریجانی در عین حال مورد تأیید رهبری است؛ چنانکه به تازگی از سوی مقام معظم رهبری در عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب شد و بیشتر به از سوی ایشان امور ایران و چین را پیگیری می‌کرد و حتی رهبر انقلاب بعد از دصلاحیتش از سوی شورای نگهبان، خواهان جریان جغای وارد شده. علی لاریجانی شاید در دوراتی که محدودیت‌های زیادی بر سید محمد خاتمی وجود دارد بتواند نقش اکبر هاشمی رفسنجانی را ایفا کند، هر چند او نیز برای به‌دست آوردن اعتماد عمومی اصلاح‌طلبان مسیر ساده‌ای را در پیش ندارد.